

### چکیده

یکی از رسالتهای قرآن کریم، تربیت فکر در انسانهاست. آنچه از این نظر در قرآن حائز اهمیت بسیار است، از یک سو به کار بردن تفکر صحیح است و از سوی دیگر، هدایت بشر بوسیله این نیروی درونی است. تربیت فکر فرآیندی است که انسان را به چگونگی فکر کردن و بکار گیری آن تا رسیدن به نتیجه مطلوب؛ رهنمون می کند. در یک نگاه کلی به ظاهر قرآن، خداوند در بیش از ۴۷۱ مرتبه مشتقات تفکر همچون بصیرت، نظر، تذکر، تعقل، تدبیر و ۱۸ مرتبه با کلمه تفکر، سخن گفته است. پژوهش پیش رو با روش تحقیق استنتاجی، روش استدلال محور بر پایه آرایه بندی قضایا، در قالب قضایای مقدم و مؤخر می باشد. قرآن در فرایند تفکر، از بسترهای موجود، بهره می گیرد و با تقویت این قوه، انسان را از محسوسات به معقولات هدایت می کند و زمینه حرکت کمالی وی را فراهم می کند. انسان با تفکر از طریق روش برهان به یقین یک حقیقت واحد را دریافت می کند و متوجه می شود که تمام نظام هستی به علت العلل نیاز دارد. در این نگاه هر وجودی، به اعتبار ظهور و تجلی حق، امری واقعی و مرتبط به حق می شود. چنانکه از سوی ذات حق که فیاض مطلق است، فیض وجود ساری می شود و هر موجودی که دارای شوقی است، کمالات خود را حفظ می کند و برای تحصیل کمالات عالی حرکت می نماید.

### فاطمه کریمی

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی،  
گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد  
اسلامی، واحد تبریز  
ftmhkarimi@yahoo.com

### پیمان یارمحمدزاده

دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان،  
گروه علوم تربیتی، تبریز، نویسنده مسئول  
dr.peyman.ymz@gmail.com

### امیدعلی حسین زاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد  
شبهستر، گروه علوم تربیتی  
amirhoseinzade1359@gmail.com

### میکائیل جمال پور

استادیار دانشگاه پیام نور تبریز،  
گروه فلسفه  
MKja1391@gmail.com

### واژگان کلیدی:

تفکر، تربیت، فکر در قرآن، تربیت  
فکری.

انسان برای رسیدن به هدف کمالی خویش که رسیدن به مقام قرب الهی و متنعم شدن از نعمات بی‌منتهای اوست، باید تحت تربیت شریعت اسلامی قرار گیرد. تربیت از ماده‌ی «ربو» به معنای رشد است. درواقع، واژه‌ی تربیت به معنای رشد استعدادهای درونی انسان است، چنان‌که شکوفاسازی استعدادهای بالقوه‌ی انسان و به فعلیت رساندن آنها از اهداف تربیت است (الهی زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۱). تربیت مستلزم رشد و کمالی است که فرد در حال حاضر فاقد آن است؛ اما بالقوه استعداد آن را دارد که واجد آن رشد و کمال شود. درواقع، تربیت یک فرایند پیچیده از لحاظ نظر و عمل است و دربره‌ی انسان کاربرد عمیق‌تر و وسیع‌تری دارد و در مفهوم، پرورش عضلات بدن تا کمالات معنوی را شامل می‌شود. این‌گونه آموزش‌ها، هنگامی تربیت تلقی می‌شوند که ژرف باشند و به‌ویژه، با هدف‌های متعالی و ارزشمند پیوند حاصل کنند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۳۹).

درواقع تربیت، آژانس‌سازی انرژی‌های نهفته و متراکم در درون انسان است تا نیروهای بالقوه در وجود او به جریان افتند و به فعلیت رسند (الهی زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۲). در تربیت، مربی در پی پرورش قوای متربی است؛ یعنی باید چیزی باشد تا تربیت تحقق یابد. فکر هم به‌عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان، برای شکوفا شدن به تربیت نیاز دارد. در تربیت فکری، استعداد فکری‌ای، رشد می‌کند که در درون انسان است.

تفکر مابۀ‌الامتياز میان انسان و حیوان است. عقل نظری از قوای فطری است. فکر در لغت، به معنای اندیشه، تأمل، اعمال‌نظر و تدبیر برای به دست آوردن واقعیت‌هاست (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۹). معنای لغوی فکر را علامه مصطفوی این‌چنین بیان کرده است: فکر، تصرف قلب و تأمل و بررسی مقدمات و دلایلی است که انسان به‌وسیله‌ی این مقدمات و دلایل، به مجهولی هدایت شود که علم بدان مطلوب است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۵).

تفکر در ذات انسان ریشه دارد و آدمی را از خطا در درک واقعیات باز می‌دارد. منظور از فکر، اجرای عملیات عقلی در معلومات موجود برای دستیابی به مطلوب است (مظفر، ۱۳۹۰، ص ۳۹). اگر عقل در انسان نهادینه شود، افکار او نیز جهت صحیح پیدا می‌کند و حتماً به هدایت انسان منجر می‌شود<sup>۱</sup> (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۸۱). تشخیص خیر از توانایی‌های اصلی عقل است. این توانایی عقلی عبارت است از: مقایسه‌ی میان دو یا چند شیء و تشخیص اینکه کدام‌یک از آنها بهتر و برتر از دیگری و به سخن قرآنی، «خیر» است.<sup>۲</sup>

بنابراین، فکر قوه‌ای در خدمت عقل است و تفکر فرایند پیشنهاد اهداف و راه‌های گوناگون رسیدن به آن اهداف و ارائه‌ی آن به محضر عقل است (نقی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۹). اگر تفکر مانند دیدن و شنیدن فرض شود، همان‌گونه که دیدن به چشم و شنیدن به گوش مربوط می‌شود، تفکر نیز با اولوا الألباب در آیات قرآن همراه است.<sup>۳</sup> اهمیت تفکر در اسلام تا حدی است که در احادیث

۱- «فکر العاقل هداية».

۲- وَ مَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ (انعام: ۲۲).

۳- إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ

مختلف، برتر از عبادات معرفی شده است، چنان که امام رضا<sup>(ع)</sup> می فرماید: عبادت به بسیاری روزه و نماز نیست، بلکه عبادت تفکر در امر خداوند است<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۵).

در جهان بینی اسلامی، تربیت فکری اهمیت بسیاری دارد، چنان که مانند دیگر تربیت های دینی، ریشه در جان انسان دارد. در قرآن کریم و کلام معصومین<sup>(ع)</sup>، «تفکر» و «تعقل» آثار و نقش بسیاری در رساندن انسان به مقام قرب الهی دارد؛ همچنین تربیت فکری نخستین گام بهره مندی از هدایت های والای قرآنی و اهل بیت<sup>(ع)</sup> است. جهت گیری های تربیت دینی به سوی تربیت توحیدی، قرآنی، عقلانی، ولایی، واقع گرایانه و بر محور ترجیح کمالات اخروی بر دنیوی است (الهی زاده، ۱۳۹۵، ص ۲۳۹).

با توجه به مقدمات بیان شده، منظور از تربیت فکر قرآنی این است که بشر به نحوی تفکر کند که مدنظر خداوند است تا از راه آن، به مطلوب مدنظر رهنمون گردد. در واقع هدف قرآن، بارورسازی قوهی عاقله ی انسان است تا زمینه ی فهم برای مباحث بعدی در انسان پیدا شود.

از مجموع موارد هجده گانه ی که مشتقات واژه ی فکر در قرآن به کار رفته است، سیزده مورد در سوره های مکی است که عبارت اند از: مدثر: ۱۸؛ اعراف: ۱۷۶؛ اعراف: ۱۸۴؛ یونس: ۲۴؛ انعام: ۵۰؛ سبأ: ۴۶؛ زمر: ۴۲؛ جاثیه: ۱۳؛ نحل: ۱۱؛ نحل: ۴۴؛ نحل: ۶۹؛ روم: ۸؛ روم: ۲۱؛ پنج مورد دیگر در سوره های مدنی است که عبارت اند از: رعد: ۳؛ بقره: ۲۱۹؛ بقره: ۲۶۶؛ آل عمران: ۱۹۱؛ حشر: ۲۱؛ ۱۹.

همه ی آیات بالا، با تفکر یک طریق بینشی را القا می کنند و نشان می دهند که انسان چگونه باید دنیای اطراف خود را درک کند و با تفکر از دیده ها، شنیده ها و خواننده هایش فراتر

---

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱).

۱- ليس العبادة كثرة الصلاة و الصوم انما العبادة كثرة التفكر في امر الله عزوجل.

۲- إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ.

۳- ... ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.

۴- أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ حِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ.

۵- ... كَذَلِكَ نَقُصُّ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۶- لَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّمَا أَنبِئُكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّمَا لِقَوْمٍ أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ.

۷- ... ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ حِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ.

۸- ... إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۹- ... وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۱۰- ... يُبَيِّنُ لَكُمْ بِهِ الرُّزُقَ وَ الرِّبْوَثُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۱۱- ... بِالْبَيِّنَاتِ وَ الرُّبْرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.

۱۲- ... إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۱۳- ... أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّى...

۱۴- ... إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۱۵- ... إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۱۶- ... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.

۱۷- ... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.

۱۸- ... الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ...

۱۹- ... لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

- برود تا به آگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تری از عالم برسد.
- آنچه اهمیت بسیار دارد، حقیقت تربیت فکر در قرآن و روش دریافت این حقیقت و نتایج آن است؛ بنابراین، این مقاله درصدد است با روش استنتاجی در این باره، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:
۱. حقیقت تربیت فکری قرآن چیست؟
  ۲. با کدام روش، می‌توان حقیقت تربیت فکر را دریافت کرد؟
  ۳. سیر عقلانی در تربیت فکر به چه نتیجه‌ای منجر می‌شود؟

### مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق

فیلیپ ج. فینیکس تربیت را جریانی می‌داند که به وسیله‌ی آن افرادی از روی قصد و اراده، رشد افراد دیگر را هدایت کنند. جریانی پیوسته است که فرد در آن شرکت دارد و این جریان، کل شخصیت فرد را دربرمی‌گیرد و حالت استمرار و دوام دارد (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۷۶). از دید «کانت» تربیت، پرورش هرگونه کمالی است که فرد آمادگی آن را دارد؛ همچنین «استورات میل» معتقد است: تربیت هر آن چیزی است که انجام می‌گیرد تا انسان را به کمال طبیعت وی نزدیک کند (دورکهم، ۱۳۷۶، ص ۴۰).

به نظر (اندرسون، ۱۹۸۵)، پرورش قوه تفکر از مهم‌ترین هدف‌های تربیت است که در آن، یادگیری معنادار مهم است. از دید سولسو (۱۹۸۸)، دانش معنادار ساختن اطلاعات جدید برای متعلم اهمیت فراوان دارد. این دانش از درک فرایندهای ادراک و توجه حاصل می‌شود که تا حد بسیاری مشخص می‌سازد چه چیزی را می‌تواند به یاد بیاورد (به نقل از گلاور و برونینگ، ۱۳۸۲، ص ۱۱). جان دیویی اظهار می‌دارد: از یک سو، دنیای خارج مواد یا محتوی، معلومات را از طریق حواس به انسان معرفی می‌کند که تنها حالت پذیرندگی دارند. از سوی دیگر، ذهن از گروهی از قوای معین مانند قوه‌ی دقت، مشاهده، حفظ، مقایسه، تجزیه و ترکیب تشکیل شده است. معلومات هنگامی حاصل می‌شود که ذهن بتواند اشیائی را که در طبیعت متحد یا مجزا هستند، ترکیب کند یا مجزا سازد (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۸۳). در چنین تربیتی، توسعه‌ی عادات، تشکیل مهارت‌ها و کسب معلومات، همه از روی فهم و درک صورت می‌گیرند. فرد نه تنها امر مورد یادگیری را درک می‌کند، بلکه خود شخصاً به بررسی آن می‌پردازد و آنچه را منطقی و مستدل تشخیص داد، می‌پذیرد (همان، ص ۱۰۵).

فکر کردن، نوعی رفتار شناختی است که در آن اندیشه‌ها، تصاویر ذهنی، بازنمایی‌های ذهنی یا دیگر عناصر فرضی فکر، تجربه یا دست‌کاری می‌شوند. در این معنا، تفکر شامل تصویرسازی ذهنی، یادآوری، حل مسئله، خیال‌بافی، تداعی آزاد، تشکیل مفهوم و بسیاری روندهای دیگر است (واندن، ۲۰۱۵، ص ۱۰۸۴). در واقع، فکر کردن مهارتی است که می‌توان با فراگرفتن راه‌های درست انجام دادن، آن را بهبود بخشید، چنان‌که تفکرکننده باید بتواند فکر خود را با قصد و اراده به جریان بیندازد و آن را به شکل صحیح، به‌سوی هر موضوعی هدایت کند (دوبونو، ۱۳۹۴، ص ۹). در این

فرایند، یادگیری‌های گذشته دست‌کاری و سازمان‌دهی می‌شوند. از آنجا که یادگیری‌های گذشته در حافظه ذخیره می‌شوند، پس می‌توان تفکر را به‌عنوان دخل و تصرف و ایجاد تغییر در اطلاعات ذخیره‌شده در حافظه تعریف کرد (سیف، ۱۳۹۴، ص ۳۴۶). هنگامی که فرد فکر خود را مدیریت می‌کند، قادر به آگاه بودن از این هست که مغز در حال مبارزه، توقف و اضافه کردن یک انتخاب دیگر است (لور، ۲۰۱۰، ص ۹).

از دید جان دیویی<sup>۱</sup>، تفکر توانایی است که در آن موقعیت موجود، سبب تأیید یا تولید واقعیت‌های دیگر می‌شود؛ یا روشی است که در آن باورهای آینده بر اساس باورهای گذشته پایه‌گذاری می‌گردد (شعبانی، ۱۳۹۲، ص ۴۴). ویناک<sup>۲</sup> معتقد است: اندیشیدن، سازمان دادن و تجدید سازمان در یادگیری گذشته، برای استفاده در موقعیت کنونی است. به نظر ایسون، اندیشیدن فرایندی رمزی و درونی است که به یک حوزه‌ی شناختی منجر می‌شود که نظام شناختی شخص متفکر را تغییر می‌دهد. از دید سولسو<sup>۳</sup> (۱۹۹۰)، اندیشیدن فرایندی است که از طریق آن، یک بازآزمایی ذهنی جدید به‌وسیله‌ی تبدیل اطلاعات و تعامل میان ویژگی‌های ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد می‌گردد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۳۷۹).

تعلیم و تعلم فکری عبارت است از آنچه از راه آن، سخنی مسموع یا معقول کسب شود که سبب پیدایش عقیده و رای یا تصور گردد که پیشتر نبوده است. این نوع تعلیم و تعلم ذهنی، گاهی میان دو فرد و گاهی توسط یک فرد، اما به دو لحاظ انجام می‌گیرد؛ مثلاً فرد بدان سبب که حد اوسط قیاس را حدس می‌زند، معلم و از آن جهت که نتیجه‌ی قیاس را اخذ می‌کند، متعلم است. در واقع، تعلیم و تعلم ذاتاً امری واحد است و دوگانگی آن اعتباری است. این امر واحد که همان اکتساب امر مجهول توسط امر معلوم است، نسبت به فردی است که در او حاصل می‌شود. تعلم و نسبت به فردی که از او یعنی علت فاعلی پدید می‌آید، تعلیم نامیده می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۳، ص ۲۷). هر تعلیم و تعلم فکری، از طریق یک علم سابق حاصل می‌شود. به این سبب که تصدیق و تصور پدیدآمده از طریق تعلیم و تعلم فکری، پس از سخن مسموع یا معقولی است که تقدم دارد، واجب است آن سخن، نخست معلوم باشد و البته نه به هر صورت ممکن، بلکه از این جهت که اگر نه بالفعل، دست‌کم بالقوه و در حکم علم به مطلوب است. در حقیقت، تعلیم و تعلم فکری نوعی جست‌وجو است؛ پس در این نوع تعلیم و تعلم، مطلوبی وجود دارد که نفس برای دست‌یابی به حد وسط آن حرکت می‌کند، به‌نحوی که در کیفیت کسب قیاس گفته‌شده است و امور مناسب یا مطلوب را پی‌درپی بررسی می‌کند تا آنکه به حد اوسط نائل شود (همان، ص ۳۰).

استاد مطهری در کتاب کلیت علوم اسلامی، در این باره چنین آورده است: فکر یکی از اعمال

1- Dewey, John

2- Vinake

3- Solso

ذهنی بشر و شگفت‌انگیزترین آنهاست. ذهن اعمال چندی انجام می‌دهد. یگانه راه کسب معلومات، تبدیل مجهول به معلوم آن است که از طریق ارتباط مستقیم با دنیای خارج بر سرمایه‌ی معلومات خویش بیفزاید. از طریق مربوط کردن معلومات در درون ذهن نمی‌توان به معلوم جدید دست یافت (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۹۶-۹۱).

اصطلاح قرآنی فکر، بنابر علم منطق سه مرحله دارد. برای تبیین آن باید دانست که فکر یعنی رسیدن از مجهول به معلوم و سه مرحله در همین جمله متضمن است؛ زیرا انسان، ابتدا با مجهولی مواجه می‌شود و درصدد حل و علم بدان برمی‌آید؛ سپس برای علم به مجهول نیاز است تا با قیود و مشخصات معلوم، دایره‌ی احتمالات را کاهش بدهد و به مطلوب برسد. به همین منظور، از مجهول به سوی معلومات موجود در نزد خود حرکت می‌کند و در میان معلومات خود، به دنبال مشخصات و قیود مجهول می‌گردد؛ پس از مشخص شدن، از معلومات به مجهول، رجوع و بدان علم پیدا می‌کند. هدف تفکر در قرآن، بارورسازی قوه‌ی عاقله‌ی انسان است تا زمینه‌ی فهم برای مباحث بعدی در انسان پیدا شود؛ زیرا در اثر تفکر، انسان منظومه‌ای فکری پیدا می‌کند که به‌وسیله‌ی آن می‌تواند رشد و کمال یابد (الهی‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۰).

با توجه به اینکه با عنوان تربیت فکر در قرآن، پژوهش، کتاب یا مقاله‌ای منتشر نشده است، از میان مقالاتی که به‌نوعی در پیوند با این موضوع است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کشاورز و سرتیپ‌زاده (۱۳۹۸)، در پژوهش خود بیان کردند: لازمه‌ی تربیت فکری، طراحی الگوی تربیت تفکرمحور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی است.

در پژوهش کشانی، رستمی‌نسب و اخلاقی (۱۳۹۷)، شاخصه‌های اصلی تذکار تفکر عبارت‌اند از: توحیدی بودن برای تفکرورزی در قرآن و توجه همه‌جانبه به اهداف و ابعاد انسان. کبیرپور و عبداللہی (۱۳۹۷)، طی پژوهشی در تفکر راهبردی، به این نتیجه رسیدند: توجه به سنت‌های الهی، بصیرت، آرمان‌خواهی، دوراندیشی، حکمت و اتصال تدبیر است. در پژوهشی، ولدبیگی (۱۳۹۵) می‌نویسد: روش قرآن کریم در دعوت به اندیشیدن در جهان طبیعت، متکی بر دو محور اساسی است: یکی بهره‌مندی از تجربه‌ی عینی و دیگری بهره‌گیری از استدلال عقلی. با تفکر و تعقل، یقیناً بصیرت و معرفت توأم با یقین و باور قلبی ایجاد می‌شود و سبب دستیابی به حیات طیبه می‌گردد.

کشانی و رستمی‌نسب (۱۳۹۵)، در تحقیقشان به این نتیجه رسیدند: قرآن از عنصر داستان بیشترین استفاده را برای دعوت به تفکر کرده است. الگوی قرآنی، از محرک‌ها و بسط دهنده‌های تفکر، به جای استفاده‌ی منفردانه از یک یا دو محرک، کاربرد تجمیعی را به‌کار برده است. نتایج پژوهش طباطبائی (۱۳۹۴) این است: انسان در قرآن، با واژه‌هایی چون تفکر، بصیرت، نظر، تذکر، تعقل و مشتقات آنها، در مجموع ۴۷۱ مرتبه، به تفکر در قرآن و هستی سفارش شده است. مردانی (۱۳۹۳) طی تحقیقی به این نتیجه رسید: بینش توحیدی اساسی‌ترین بینشی است که قرآن به‌وسیله‌ی تفکر می‌خواهد به انسان ارائه دهد. در قرآن کریم، حکایت‌ها و داستان‌ها درصدد ارائه‌ی جهان‌بینی متعالی به انسان است تا حجاب‌های غفلت را از دیدگان انسان بزداید.

گلستان (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید: نگاه قرآن به معرفت دینی، توأم با تفکر و تعقل و علم و دانش است و پیروانش را به خواندن، دیدن، شنیدن و سیر و سفر کاوشگرانه در زمین دعوت می‌نماید و نداشتن تفکر را علت اصلی کفر و انحراف معرفی می‌کند.

## روش تحقیق و فرایند پژوهش

روش تحقیق حاضر، استنتاجی مبتنی بر روش منطق و کنش عقلانی استدلال‌محور است که روشی معرفتی در حوزه‌ی معارف ذهنی است که بر پایه‌ی آرایه‌بندی قضایا، در قالب قضایای مقدم و مؤخر صورت می‌پذیرد. به عبارتی، روش کسب معرفت در این حوزه، اساساً به ایجاد ساختاری مفهومی از طریق توسل به استدلال منطقی وابسته است. در این روش، مقدمه‌ها باهم ترکیب می‌شوند تا بتوان نتیجه‌ای فراهم آورد. با چنین کیفیتی، صحت نتایج به‌دست‌آمده مبتنی بر فرایند استدلال است (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳). در چنین استدلالی، اگر فردی قوانین جهان‌شمولی در اختیار داشته باشد، می‌تواند از آنها نتایج گوناگونی اخذ کند که به‌منزله‌ی تبیین و پیش‌بینی به کار می‌آیند. اگر مقدمات منطقی معتبر و صحیح باشد، آن‌وقت نتیجه هم باید صحیح باشد (چالمرز، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷). برای تبیین بهتر دو واژه‌ی تربیت و تفکر و تنظیم مقدمات به شکل صحیح، علاوه بر آیات تفکر در قرآن، به کتاب‌هایی با موضوع تربیت و تفکر مراجعه گردید؛ سپس برای کشف نگاه اسلام در تربیت عقلانی، به آیات دربرگیرنده‌ی این واژه‌ها پرداخته شد؛ همچنین کارکردهای عقلانی مرتبط با هریک به‌طور دقیق استخراج گردید؛ زیرا طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی را باید از قرآن کریم استخراج کرد و سپس ساختمان و بنا را با بهره‌گیری از روایت‌های اهل‌بیت بر روی این پایه بنیان نهاد.

## ۱. حقیقت در تربیت فکری قرآن

در دین اسلام، انسان به نظر در نظام عالم و تفکر در کل هستی دعوت شده است تا انسان به واقعیت‌های عالم توجه کند؛ زیرا انسان غرق در این واقعیت‌هاست و می‌تواند با حواس خود واقعیت بیرون را حس کند و با خارج ارتباط حضوری دارد؛ یعنی آثار خارج را در حس می‌یابد و با ادراک خود و علم حضوری آن را می‌فهمد، چنان‌که امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِي آلاءِ اللَّهِ سَبَّحَانَهُ وَفَّقَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۵۶). اگر انسان در نعمت‌های خدا فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود؛ یعنی با اندیشه، توفیق می‌یابد و حقیقت را می‌فهمد. خداوند نیز می‌فرماید: «أَوْكُمُ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ... وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱</sup> این آیات

۱- (روم:۸): آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به‌حق و برای زمان معینی نیافریده است؟! اما بسیاری از مردم لقای پروردگارشان را منکرند.

۲- (رعد:۳): و اوست خدایی که بساط زمین را بگسترده و در آن کوه‌ها را برافراشت و نهرها را جاری ساخت و از هرگونه میوه یک جفت پدید آورد.

انسان را به تفکر در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، از جمله کوه‌ها، نهرها، میوه‌ها و شب و روز دعوت می‌کند.

آیات دیگر تفکر که در آنها، قرآن از انسان توجه به واقعیات را می‌خواهد عبارت‌اند از: توجه به جمادات (جاثیه: ۱۳)؛ آب و نباتات (نحل: ۱۱)؛ جانوران (نحل: ۶۹)؛ انفس انسان‌ها (روم: ۲۱)؛ زمر: ۴۲؛ اعراف: ۱۷۶)؛ اشخاص (نحل: ۴۴؛ سبأ: ۴۶؛ انعام: ۵۰)؛ امر دنیا و آخرت (بقره: ۲۱۹ و ۲۲۰).

بدیهی است هستی خارج از انسان وجود دارد و انسان نیز فطرتاً به آن آگاه است، چنان‌که کودک از بدو تولد، برای رفع گرسنگی می‌داند که در بیرون چیزی هست که نیازش را رفع کند؛ بنابراین، انسان فطرتاً و بدون استدلال، به هستی توجه دارد. اینکه قرآن از انسان می‌خواهد درباره‌ی واقعیات‌ها به تفکر بپردازد، به این سبب است که انسان توانایی ادراک واقعیت و رای خود را دارد؛ همچنین می‌تواند که درباره‌ی آنچه حس می‌کند، حکم نماید؛ مثلاً دیدن رد پا به وسیله‌ی حس انجام می‌گیرد؛ اما اینکه کسی از آنجا گذشته است، با توانایی عقلی حکم می‌شود.

اینجا پرسشی مطرح می‌شود: آیا انسان ویژگی‌های واقعیت را آن‌گونه که واقع هست، می‌فهمد؟ هرچند انسان در حس کردن دچار خطا نمی‌شود؛ اما اگر در حکم کردن هم دچار خطا می‌شد، قرآن به او هشدار نمی‌داد. در واقع، قرآن نسبت به تفکری هشدار می‌دهد که مبارزه با حق باشد. می‌فرماید: «إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ»<sup>۱</sup> در چنین تفکری، انسان پس از تقدیر، یعنی مشخص کردن نتیجه، برای آن مقدمه می‌سازد؛ همچنین اگر انسان در حکم کردن هم دچار خطا نمی‌شد، دعوت مستمر به تفکر در واقعیت مفهومی نداشت، چنان‌که اغلب آیات تفکر، به شکل مضارع و دلالت بر استمرار در تفکر دارند؛ همچنین استمرار به نوعی، اشاره به تفکر در اصل آفرینش و تفکر در متعلقات آفرینش است، اعم از وجود، حرکات و دگرگونی‌ها. علامه طباطبائی می‌فرماید: مراد از «خلق» کیفیت وجود و آثار و افعال از حرکت و سکون و دگرگونی‌های آسمان و زمین است، نه فقط پیدایش آنها (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۳۶).

بنابراین، برای درک اینکه کدام چهره‌ی هستی حقیقی است، تفکر مستمر ضروری می‌نماید؛ زیرا انسان در توجه به هستی می‌تواند از یک واقعیت، چند چیز بفهمد که تنها یک حقیقت واحد وجود دارد؛ از این رو، قرآن تفکر نکردن را نکوهش می‌کند و می‌فرماید: «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (أنعام: ۵۰)؛ پس چرا نمی‌اندیشید؟»؛ «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا (اعراف: ۱۸۴)؛ آیا فکر نکردند...؟»؛ «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا (روم: ۸)؛ آیا آنان با خود نیندیشیدند؟» که همه از توییخ به نداشتن تفکر نشان دارد تا انسان با به‌کارگیری این نیرو، حقیقت واقع را دریافت کند.

شب تار را به روز روشن بپوشاند. همانا در این امور، برای متفکران دلایل روشنی هست.  
۱- (مدثر: ۱۸).

## ۲. روش دریافت حقیقت تربیت فکری

اعطای بینش درباره‌ی نظام هستی، دنیا، حقیقت انسان، تاریخ انسان، مرگ و پس از مرگ بسیار اهمیت دارد. در این اعطای بینش، سعی بر آن است که تلقی آدمی از امور دگرگون شود. ایجاد دگرگونی در تلقی افراد، از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آنان است؛ زیرا نحوه‌ی ارزیابی امور، یکی از مبانی مؤثر در نوع رفتارها و اعمال است (باقری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴).

روش برهان یکی از راه‌هایی است که انسان را به حقیقت واحد در امور بالا می‌رساند تا آنها را به یقین دریافت کند. برهان از طریق ترکیب مقدمات یقینی، به نتیجه‌ای یقینی می‌انجامد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). در واقع، برهان با دلیل محکم، از حقیقت ورای ذهن انسان گزارش می‌کند. خداوند در آیات تفکر می‌فرماید: «بُنِيتُ لَكُمْ بِهِ الرِّزْعَ وَ الزَّيْتُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱</sup>؛ یعنی به این فکر کنید که شما کشاورزید، نقل‌مکان دانه‌ها از انبار به مزرعه به عهده‌ی شماست؛ اما درون مزرعه دل خاک چه کاری می‌شود؟ شما خبر ندارید (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۴۵، ص ۴۹۶). در واقع، آیه با یک سیر عقلانی، از ظاهر امور می‌گذرد و انسان متفکر را کنج‌کاو علت امور ظاهری می‌کند؛ همچنین می‌فرماید: «نَمَّ كَلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْأَلْكَ سُبُلَ رَبِّكَ ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۲</sup> و در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۳</sup> آیات بیانگر این است که خداوند نسبت به موجودات عادی و نسبت به اصل فیض، علت تامه است و فیض الهی قطع‌شدنی نیست (همان، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۳۹۳، جلسه ۱۶ آذر).؛ یعنی در همه‌ی این آیات، به تفکر در آغاز و سرانجام مخلوقات به‌سوی خدا توجه می‌شود. در واقع، این آیات انسان را دعوت می‌کند تا میان عناصر جهان ارتباط دقیقی را ببیند و آن را نشان‌دهنده‌ی از وحدت سازنده بداند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۹۶). انسان متوجه می‌شود که موجودات آسمان و زمین نشانه‌ی ذات اقدس الهی‌اند و این‌همه ظرایف حکیمانه، بی‌شک هدف والایی دارد (همان، ۱۳۹۷).

در آیات بالا، با تفکر در مصادیق عینی با سیر عقلانی، نتیجه‌ی مطلوبی به‌دست می‌آید و ویژگی‌های واقعیت را آن‌گونه می‌یابد که حقیقت است؛ به‌طور مثال، در آفرینش آسمان و زمین پرداختن<sup>۴</sup> و سر بلند کردن و نظر کردن به خارج با دید قرآنی و رؤیت این آفرینش و نتیجه‌گیری از آن سیر عقلانی در تفکر است. در واقع، آیات تفکر، راه رسیدن به یقین درباره‌ی حقیقت را سیر عقلانی در تفکر معرفی می‌کند و یقین معرفتی منطقی است که دقیقاً این حقیقت را روشن می‌سازد. از نمونه‌های دیگر سیر عقلانی در آیات تفکر می‌توان به مورد زیر اشاره کرد: تفکر در آیات عینی، برای پی بردن از اثر به مؤثر که می‌فرماید: آیا کسی از شما دوست

۱- (نحل: ۱۱).

۲- (نحل: ۶۹).

۳- (زمر: ۴۲).

۴- (جاثیه: ۱۳).

دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از نهرها زیر درختان آن بگذرد و برای او در آن (باغ)، از هرگونه میوه‌ای وجود داشته باشد، درحالی‌که به سن پیری رسیده است و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام)، گردبادی (کوبنده) که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور شود و بسوزد؟! (همین‌طور است حال کسانی که انفاق‌های خود را با ریا و منت و آزار باطل می‌کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد. شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید).<sup>۱</sup>

در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم که در پی آن، گیاهان (گونگون) در زمین- که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند- می‌روید تا هنگامی‌که زمین، زیبایی خود را می‌یابد و آراسته می‌گردد و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند. (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی‌رسد (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم) و آن‌چنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است. این‌گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم.»<sup>۲</sup>

در بعضی از آیات قرآن کریم، واقعیات عینی به‌عنوان یکی از نشانه‌های خداوند بوده و به علت فاعلی آن اشاره شده است. در آیه‌ای می‌فرماید: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند؛ و از آیات او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست. در این نشانه‌هایی است برای عالمان.»<sup>۳</sup>

علت غایبی، لازمه‌ی علم به علت فاعلی و به‌نوعی مهم‌تر از آن نیز است؛ زیرا این غایت است که در زندگی و نحوه‌ی تفکر و اعمال ما نتیجه‌ی مستقیم دارد و علم به علت فاعلی، به‌تنهایی این نتیجه را منعکس نمی‌کند.

خداوند می‌فرماید: «آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به حق و برای زمان معینی نیافریده است؟ اما بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارشان را منکرند.»<sup>۴</sup> در این آیه‌ی شریفه، خداوند تفکر در آفرینش آسمان و زمین را نتیجه‌ای برای حکم به حق آفریدن ایشان بیان کرده است تا از این راه، بحث معاد و قیامت را نتیجه بگیرد. همچنین در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «خدا همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی برافراشت که برای شما دیدنی باشد؛ سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت) و خورشید و ماه را مسخر ساخت که هرکدام تا زمان معینی حرکت دارند. کارها را

۱- أَيْوَدُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْتَابٍ تُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضِعْفًا فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره: ۲۶۶).

۲- إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَطْنَ أَهْلِهَا أُنزِلُوا قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تُغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (يونس: ۲۴).

۳- (روم: ۲۱ و ۲۲)

۴- (روم: ۸)

او تدبیر می‌کند، آیات را (برای شما) تشریح می‌نماید، شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید.»<sup>۱</sup> و می‌فرماید: «و او کسی است که زمین را گسترد و در آن کوه‌ها و نهرهایی قرار داد و در آن، از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید؛ (پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند؛ در این‌ها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»<sup>۲</sup> خداوند در آیه‌ی ابتدایی، موضوع انفس را بیان کرد و در آیه‌ی دوم، به بیان آیات آفاقی الهی برای پی بردن به علت غایی پرداخت؛ بنابراین نتیجه محرز می‌گردد که هدف از تفکر و بررسی آیات الهی از سوی انسان و هدف الهی از بیان این آیات و امر به تفکر درباره‌ی ایشان، رسیدن به علت غایی یعنی معاد و قیامت است (الهی‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۷).

همچنین در آیه‌ای می‌فرماید: «آنان که در هر حالت، ایستاده و نشسته و خفته خدا را یاد کنند و دائم در آفرینش آسمان و زمین بیندیشند و گویند: پروردگارا! تو این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده‌ای. پاک و منزه‌ی. ما را به لطف خود از عذاب دوزخ نگاهدار.»<sup>۳</sup> اشاره به این دارد که انسان با نیروی تفکر می‌تواند، جایگاه خدا و نظام هستی را درک کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۳۵). آنچه در همه‌ی آیات بیان شده به‌طور مشترک مشاهده می‌شود، این است که با کنار هم قرار دادن مقدمات فکر، نتیجه‌ای برای انسان آشکار می‌شود؛ یعنی یک سیر عقلانی و برهانی فکر انسان را به یک حقیقت واحد رهنمون می‌سازد.

### ۳. نتیجه‌ی سیر عقلانی در تربیت فکر

سیر عقلانی برای استفاده از تعلیل در تفکر است. آیات تفکر<sup>۴</sup> انسان را به فعل ایمانی می‌کشاند تا به وجود خدا و اوصاف او اقرار کند، چنان‌که در روایت آمده است: «لا دین لمن لاعقل له.» وجود عقل از مؤلفه‌های اصلی در ایمان است. عقل به معنای تشخیص مصلحت و مفسده است و انسان بتواند حق و باطل و مصلحت و مفید را تشخیص دهد. در این حدیث تأکید شده است که اگر فردی خرد نداشته باشد، درواقع دین ندارد (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۵۵). امام علی یقین را از ارکان ایمان برشمرده و فرموده‌اند: «...یقین بر چهار پایه استوار است: آن‌کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگریست، حکمت را آشکارا ببیند و آن‌کسی که حکمت را آشکارا دید، عبرت‌آموزی را شناسد و آن‌کس که عبرت‌آموزی شناخت، گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱، ص ۴۴۹). درنهایت، از دیدگاه قرآن، انسان در تفکر در واقعیات به این می‌رسد که آیا این واقعیت

۱- (جاثیه: ۱۳).

۲- (رعد: ۲ و ۳).

۳- (آل عمران: ۱۹۱).

۴- آیودُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره: ۲۶۶)؛ وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ نَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَالِكُ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْضُ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف: ۱۷۶)؛ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنزِلْنَا مِنْ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتٌ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ اتَّيْتَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهِمْ أَنزَلْنَا تُبُلًا أَوْ نِهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (يونس: ۲۴).

خودبه خود هست یا برای تحققش چیزی لازم است. خداوند می‌فرماید: «ثُمَّ كَلِمَةٌ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْأَلُكَ سُبُلَ رَبِّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱</sup>

انسان در صورت تفکر متوجه می‌شود که تمام نظام هستی به دیگری نیاز دارد. درواقع، متوجه رابطه‌ی علی می‌شود. تفکر در عمق آیات و توجه به ملازمات آنها سبب می‌گردد که انسان گام به فراتر از ظاهر آیات بنهد و در عمق معلول و علت بیندیشد، چنان‌که در این رابطه می‌توان گفت: وجودات امکانی ذاتاً به واجب مرتبطند و عین ربط به واجب هستند. هرگز نمی‌توان آنها را بدون نظر به واجب مشاهده کرد که علت موجدی آنهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۴). شعاع و سایه و تجلی معلول از وجود علتش است و وجود آن مجازی و اعتباری است. درواقع، معلول ه چه را دارد، از افاضات علت است و از خود چیزی ندارد؛ پس معلول عین فقر و وابستگی به علت است. وجود علت و معلول مصداقاً یکی است (عبودیت، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱). بر اساس این، معلول مرتبط با علت خود نیست، بلکه عین ربط به آن است؛ پس فقر، عین هستی شیء را شکل داده است. وجودی که عین فقر است، یعنی وجودات امکانی، در پرتو وجود استقلالی تعقل می‌شوند (شکر، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱). درواقع، جاعل بالذات باید غنی محض و مجعول بالذات فقیر محض باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۶).

می‌توان چنین نتیجه گرفت: علت، واجد کمالات و فعلیت، مرتبه‌ی پایین است و مرتبه‌ی پایین که همان معلول است، رقیقه و تنزل یافته‌ی مرتبه‌ی بالا و علت خود است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴۳). هر وجود معلولی، به اعتبار ظهور و تجلی حق، امری واقعی و مرتبط به حق تعالی است. درنهایت، هر وجودی که قربش به حق اول بیشتر است، وجودش کامل‌تر و سعه و فعلیت او بیشتر می‌شود و هرچه وجود از مقام اطلاق تنزل کند، عدم و نواقص در او بیشتر و ترکیب او از جهات عدمیه کامل‌تر خواهد بود (آشتیانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۲). به این ترتیب در آیات تفکر، معلول چیزی جز ظهور و تجلی علت نیست. درنتیجه، امکان وجود نیز به معنای همان نیاز و فقری است که در ذات معلول نسبت به علت نهفته است، چنان‌که در قرآن می‌فرماید: «وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۲</sup> به گونه‌ای خدای سبحان آنچه را در آسمان و زمین هست، آفرید که همه در خدمت بشر باشند و همه را با انسان مربوط و متصل می‌سازد تا انسان منتفع شود (طباطبائی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۱۶۲)؛ همچنین می‌فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضُرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۳</sup> درواقع، هیچ موجودی نمی‌تواند تجلی الهی را تحمل کند و انسان، تنها مخاطب چنین عظمتی است (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ۱۳۹۶، جلسه ۲۳).

۱- (نحل: ۶۹).

۲- (جاثیه: ۱۳).

۳- (حشر: ۲۱).

بر مبنای آیات بالا مشاهده می‌شود که از ذات حق که فیاض مطلق است، فیض وجود ساری می‌گردد و هر موجودی شوقی دارد که کمالات خود را حفظ کند و برای تحصیل کمالات عالی حرکت نماید. واقعیت خارجی و حقیقت وجود، یک حقیقت عینی واحد است و از طریق درجات متکثر کمال و نقص تکثر یافته است (عبودیت، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷). او فیاض علی‌الاطلاق است و بخلی در افاضه‌ی کمالات ندارد و اگر موجودی به اقتضای ذات خود طالب کمالی باشد، در صورت نبود مانع، آن کمال را به او افاضه می‌کند (صدرالدین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۴).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر، رهیافتی به الگوی تربیت فکر در قرآن است. آیات تفکر انسان را به نظر در نظام عالم و تفکر در کل هستی دعوت می‌کند. دعوت عموم مردم به سبب این است که این امور در دسترس همگان قرار دارد و همچنین انسان توانایی ادراک واقعیت و رای خود و توانایی عقلی برای حکم را دارد. درواقع، در فرایند تفکر، قرآن از بسته‌های موجود بهره می‌گیرد و برای تقویت این قوه تلاش می‌کند. انسان از طریق اندیشیدن در آیات تکوینی، مثال‌ها، قصه‌ها و پرسش‌ها، از محسوسات به معقولات هدایت می‌شود و استعداد‌های پنهان وی از قوه به فعل درمی‌آید و زمینه‌ی حرکت کمالی او فراهم می‌گردد.

دعوت به تفکر مستمر در واقعیت، برای درک اینکه کدام چهره‌ی هستی حقیقی است، ضروری می‌نماید. انسان در توجه به هستی، می‌تواند از یک واقعیت، چند چیز بفهمد که یکی از آنها حقیقت است که با سیر عقلانی و بر حذر بودن از خطای تفکر می‌تواند این حقیقت را دریابد. انسان این حقیقت واحد را با روش برهان به یقین دریافت می‌کند. درواقع، آیات تفکر با یک سیر عقلانی از ظاهر امور می‌گذرد و انسان متفکر را کنج‌کاو علت امور ظاهری می‌کند. آنچه در ارتباط آیات با یکدیگر می‌توان یافت، تفکر در آیات انفسی و آفاقی و ربط آیات انفسی و آفاقی به وجود مطلق با بهره‌مندی از عمق تفکر است.

انسان در چنین تفکری، متوجه رابطه علی می‌شود. اینکه هر معلولی، به اعتبار ظهور و تجلی حق، امری واقعی و مرتبط به حق تعالی است. معلول، وجود مستقلی ندارد و آن شعاع و سایه و تجلی از وجود علتش است؛ پس معلول عین فقر و وابستگی به علت است. اگر وجود فقیر باشد، عین فقر است و اگر غنی باشد، عین غناست.

به این ترتیب در آیات تفکر، معلول چیزی جز ظهور و تجلی علت نیست. از سوی ذات حق که فیاض مطلق است، فیض وجود ساری می‌شود و هر موجودی شوقی دارد که کمالات خود را حفظ کند و برای تحصیل کمالات عالی حرکت نماید. او فیاض علی‌الاطلاق است و بخلی در افاضه کمالات ندارد و اگر موجودی به اقتضای ذات خود طالب کمالی باشد، در صورت نبود مانع، آن کمال را به او افاضه می‌کند.

بر اساس چنین تربیت فکری، بینش، معرفت، علم، ایمان، یقین، عشق به خالق، محبت به مخلوق، شوق به انجام واجبات و ترک محرّمات، به‌طور عمیق برای انسان آشکار می‌شود و انسان

به زندگی توحیدمحور دست می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های کشانی، رستمی‌نسب و اخلاقی (۱۳۹۷) و مردانی (۱۳۹۳) در بعد توجه به مبدأ هستی و ربوبیت مطلق عالم، همسو است. در همه‌ی موارد، در قرآن بر توحیدی بودن برای تفکرورزی تأکید شده است. توجه به الگوی جامعی از تربیت فکر در قرآن، در رسیدن به میزان صحت الگوی فکری موجود در فلسفه‌های گوناگون کمک شایانی خواهد کرد؛ همچنین برای تربیت فکری در هر عصری، قرآن می‌تواند بهترین الگو را ارائه دهد. برای بهبود یافته‌های پژوهش حاضر پرداختن به این موضوع با روش‌های گوناگون تحقیق ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا قرآن اقیانوس بی‌نهایت معارف است.

## منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی فولادوند.
- نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم: مشهور، ۱۳۷۹.
- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ فلسفه تربیت؛ تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴ ش.
- ابن‌سینا؛ برهان شفا؛ تهران: دارالفکر، ۱۳۷۳ ش.
- آشتیانی، جلال‌الدین؛ الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیه؛ چاپ دوم، مشهد: مرکز نشر دانشگاه، ۱۳۸۲ ش.
- الهی‌زاده، محمدحسین؛ درس‌نامه‌ی تربیت فطری؛ مشهد: تدبر در قرآن و سیره، ۱۳۹۵ ش.
- \_\_\_\_\_؛ درس‌نامه‌ی تربیت اقتصادی؛ مشهد: تدبر در قرآن و سیره، ۱۳۹۷ ش.
- \_\_\_\_\_؛ تفکر قرآنی؛ مشهد: موسسه تدبر در قرآن و سیره، ۱۳۹۸ ش.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه؛ رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت؛ چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۴ ش.
- باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ جلد ۱، تهران: مدرسه، ۱۳۹۷ ش.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ترجمه‌ی مصطفی درایتی؛ مشهد؛ ضریح آفتاب، ۱۳۸۱ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ رحیق مختوم؛ قم: اسراء، ۱۳۷۵ ش.
- \_\_\_\_\_؛ فلسفه صدرا؛ تلخیص رحیق مختوم؛ ج ۱، چاپ سوم، قم: اسراء، ۱۳۸۳ ش.
- \_\_\_\_\_؛ تسنیم؛ قم: اسراء، ۱۳۹۷ ش.
- چالمرز، آلن اف؛ چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی؛ ترجمه‌ی سعید زیباکلام؛ تهران: سمت، ۱۳۹۴ ش.
- دویونو، ادوارد؛ مدیریت و آموزش فکر؛ ترجمه‌ی بدری نیک فطرت؛ تهران: خاتون، ۱۳۹۴ ش.
- دورکهم، امیل؛ تربیت و جامعه‌شناسی؛ ترجمه‌ی علی‌محمد کاردان؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.
- سیف، علی‌اکبر؛ روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش؛ تهران: دوران، ۱۳۹۴ ش.
- شریعتمداری، علی؛ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
- شکر، عبدالعلی؛ وجود رابط و مستقل در حکمت متعالیه؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
- صدرالدین، محمد بن ابراهیم؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه؛ ج ۲، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۹۸۱ م.
- طباطبائی، محمدحسین؛ ترجمه‌ی تفسیر المیزان؛ ج ۴، قم: اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- \_\_\_\_\_؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ چهارم، قم: اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
- \_\_\_\_\_؛ نهایت الحکمة؛ ج ۱، چاپ دوازدهم، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- طباطبائی، سیده فاطمه؛ «واکاوی تفکر از منظر قرآن کریم»؛ پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هفتم، شماره ۳، ۱۳۹۴ ش.
- عبودیت، عبدالرسول؛ درآمدی به نظام حکمت صدرایی؛ ج ۱، تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
- \_\_\_\_\_؛ درآمدی بر فلسفه اسلامی؛ قم: مؤسسه‌ی امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ۱۳۹۰ ش.

- فرامرز قراملکی، احد؛ منطق ۲؛ چاپ دوم، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵ ش.
- فضل‌الله، محمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
- قرشی، سید علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
- کبیری‌پور، مهدی؛ کبیری‌پور، مرتضی؛ عبداللهی، علی؛ «تبیین مفهوم تفکر راهبردی از منظر اسلام»؛ مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۶۱، شماره ۳، ۱۳۹۷ ش.
- کشانی، مهدیه؛ رستمی‌نسب، عباسعلی؛ «الگوهای تحریک و بسط تفکر در حلقه کندوکاو قرآنی»؛ تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۹۵ ش.
- کشانی، مهدیه؛ رستمی‌نسب، عباسعلی؛ اخلاقی، مسعود؛ «مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تذکار تفکر به کودکان بر مبنای آیات قرآن»؛ تربیت اسلامی، شماره ۲۶، ۱۳۹۷ ش.
- کشاورز، سوسن؛ سرتیپ‌زاده، لیلا؛ «ابعاد تفکر از منظر قرآن کریم و دلالت‌های تربیتی آن در تربیت فکری کودکان و نوجوانان»؛ تربیت اسلامی، شماره ۲۸، ۱۳۹۸ ش.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- گلاور، جان ای؛ برونینگ، راجر اچ؛ روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد آن؛ ترجمه‌ی علینقی خرازی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲ ش.
- گلستان، مهرداد؛ «جایگاه مدیریت تفکر در فرهنگ جامعه»؛ دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، ۱۳۹۳ ش.
- مردانی، محمدحسین؛ «ارائه‌ی بینش و جهان‌بینی متعالی در حکایت‌های تربیتی قرآن»؛ معارف قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۶، ۱۳۹۳ ش.
- المصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۹، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مطهری، مرتضی؛ منطق و فلسفه؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۵ ش.
- مظفر، محمدرضا؛ منطق؛ ترجمه و اضافات علی شیروانی؛ دارالعلم، ۱۳۹۰ ش.
- نقی‌پور، ولی‌الله؛ «مبانی و بسترهای تفکر و تعقل خلاق از دیدگاه اسلام»؛ چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۵، ۱۳۹۰ ش.
- ولدبیگی، مرادعلی؛ «تفکر و اندیشه از منظر قرآن»؛ سومین اجلاس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، شیراز، ۱۳۹۵ ش.
- Lore mary j. (2010). Managing thought. Publisher: McGraw-Hill Education.
- Vanden,Bos. (2015).American Psychological Association. G R (Editor).